

یادگیری با نظارت
دستچندی

یادگیری ماشین بخش دوه

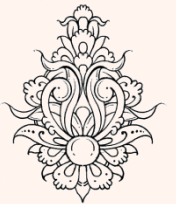
اثریون خطی
انتخاب مدل



دانشگاه شهید بهشتی
پژوهشکده فضای مجازی
پاییز ۱۴۰۳
احمد محمودی ازناوه

فهرست مطالب

- یادگیری دسته
- تعداد نمونه‌های آموزشی مورد نیاز
- دسته‌بندی چندکلاسی
- مقدمه‌ای بر رگرسیون
- رگرسیون خطی تک‌متغیره
- انتخاب مدل



یادگیری دسته

Class learning is finding a description that is shared by all positive examples and none of the negative examples.

• بحث را با داده‌هایی که از دو کلاس مجزا تشکیل شده‌اند، آغاز می‌کنیم.

– مثال مورد استفاده دسته‌بندی خودروها به دو دسته‌ی «خودروهای خانوادگی» و «سایر خودروها» ست.

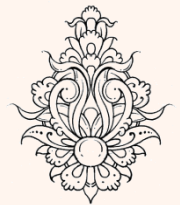
– با این کار می‌توان

– کلاس یک نمونه‌ی نامشخص را **پیش‌بینی** کرد. **Prediction**

– یا این که دانست مردم چه خودرویی را خودروی خانوادگی می‌دانند.

Knowledge extraction

– نمونه‌ی نمایش ورودی‌ها:

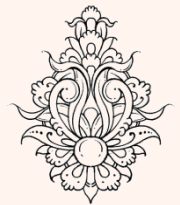
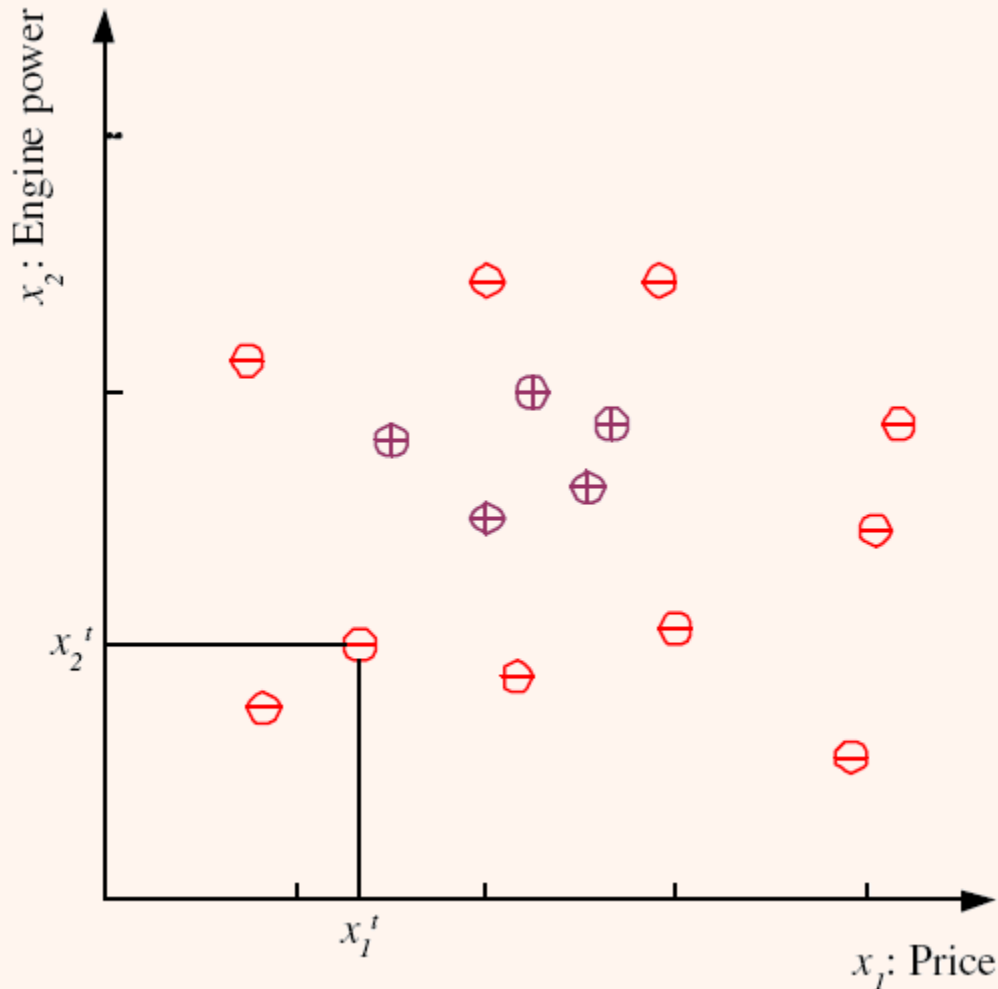


Training set

دسته‌ی آموزشی

$$\mathbf{x} = \begin{bmatrix} x_1 \\ x_2 \end{bmatrix}$$

$$\mathcal{X} = \{\mathbf{x}^t, r^t\}_{t=1}^N \quad r = \begin{cases} 1 & \text{if } \mathbf{x} \text{ is positive} \\ 0 & \text{if } \mathbf{x} \text{ is negative} \end{cases}$$



Hypothesis class \mathcal{H}

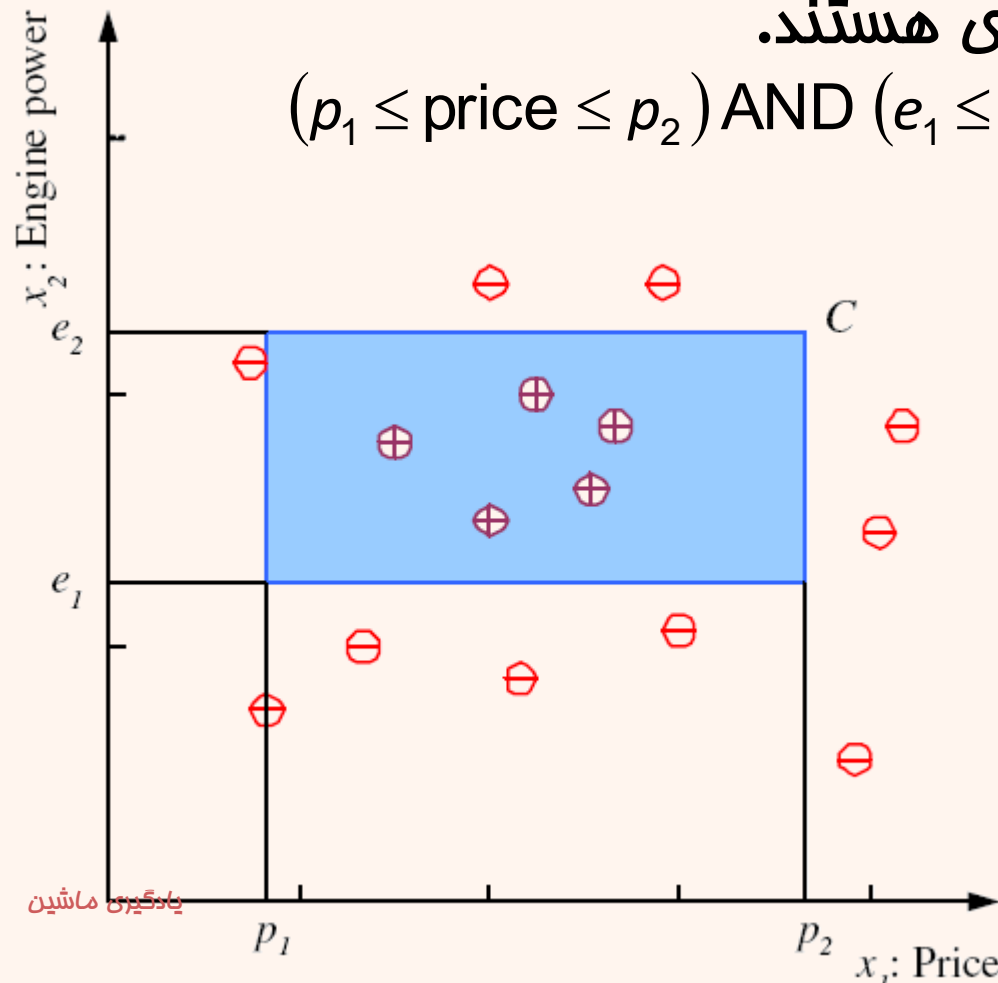
• «کلاس فرضیه» مدلی است که برای دسته‌بندی مورد استفاده

Hypothesis Class

قرار می‌گیرد.

• در این مثال شامل همه‌ی مستطیل‌هایی است که با محورهای مختصات موازی هستند.

$$(p_1 \leq \text{price} \leq p_2) \text{ AND } (e_1 \leq \text{engine power} \leq e_2)$$



Hypothesis

$$h \in \mathcal{H}$$

• از بین کلاس فرضیه

یک «فرضیه» با

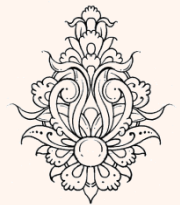
کمترین خطا جستجو

می‌شود.

• هر چهارتایی مرتب

یک فرضیه را مشخص

می‌کند.



فرضیه

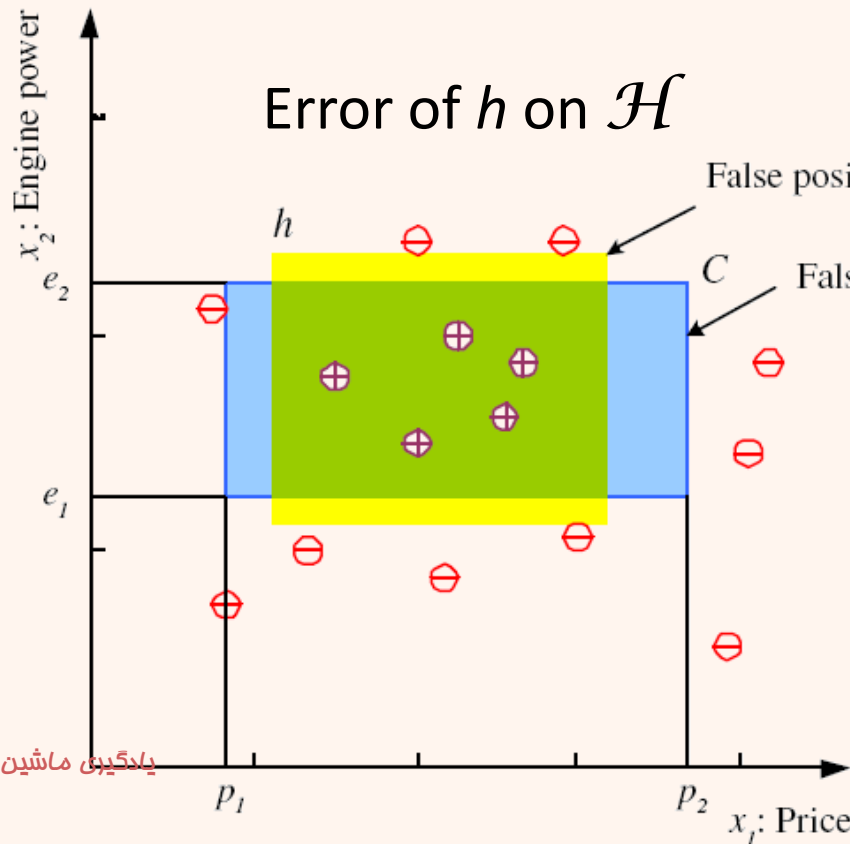
• هدف یافتن h به نحوی است که حداکثر شباهت به C را داشته باشد.

$$h(\mathbf{x}) = \begin{cases} 1 & \text{if } h \text{ says } \mathbf{x} \text{ is positive} \\ 0 & \text{if } h \text{ says } \mathbf{x} \text{ is negative} \end{cases}$$

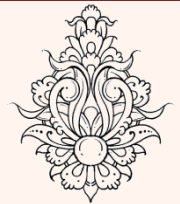
Error of h on \mathcal{H}

$$E(h | \mathcal{X}) = \sum_{t=1}^N 1(h(\mathbf{x}^t) \neq r^t)$$

empirical error (training error)



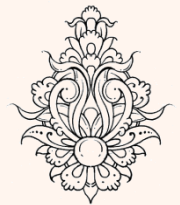
• خطای آموزشی، میزان نمونه‌های آموزشی است که توسط h به درستی پیش‌بینی نمی‌شوند.



- بی شمار «**فرضیه**» می توان یافت که دارای فضای صفر باشند.
- یادگیری، را می توان جستجو برای یافتن بهترین پارامترها دانست.
- از بین تمامی فرضیه های درست، مناسب ترین فرضیه آن است که برای **نمونه های جدیدی که در آینده دیده می شود**، بهترین پاسخ را عرضه کند.

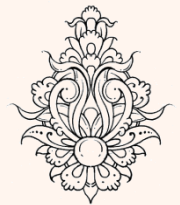
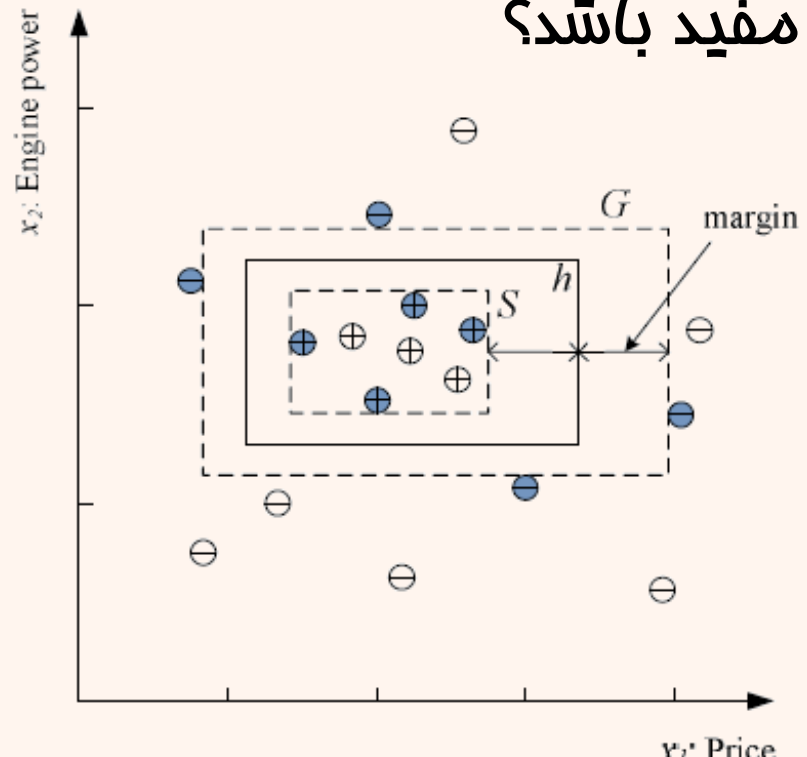
A machine learning hypothesis is a candidate model that approximates a target function for mapping inputs to outputs

<https://machinelearningmastery.com/what-is-a-hypothesis-in-machine-learning/>



انتخاب بهترین فرضیه

- یک انتخاب مناسب برای فرضیه، در نظر گرفتن **بیشترین ماشیه** از اطراف است.
- بدین گونه، قابلیت تعمیم پذیری افزایش می یابد.
– برای یافتن چنین فرضیه ای آیا تابع خطای مطرح شده می تواند مفید باشد؟



نویز

- «نویز»، ناهنجاری‌های ناخواسته در داده‌هاست.
- بر اثر نویز، دسته‌بندی دشوارتر خواهد بود و ممکن است دست‌یابی به فضای صفر امکان‌پذیر نباشد.

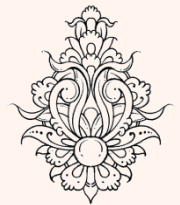
– عدم دقت در وسایل اخذ داده

Teacher noise

– خطا در برچسب‌گذاری داده

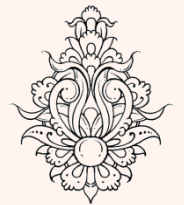
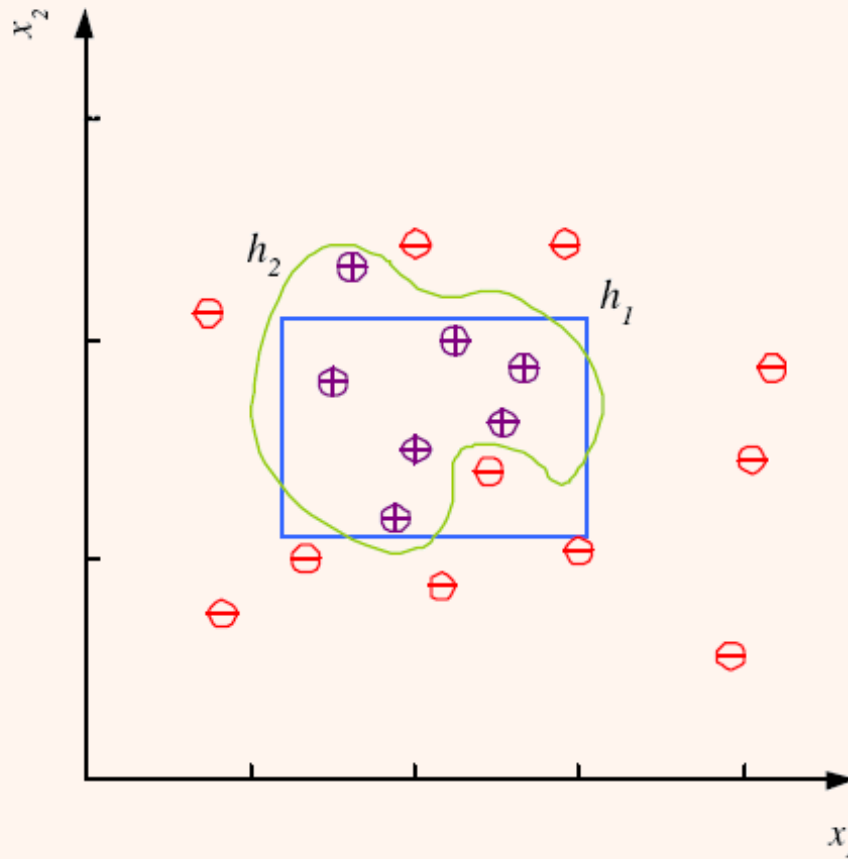
- ممکن است برخی ویژگی‌ها در نظر گرفته نشده است و یا ویژگی‌هایی قابل مشاهده نبوده‌اند.

Hidden or latent attribute



نویز و پیچیدگی مدل

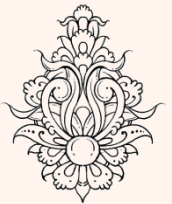
- هنگامی که نویز وجود دارد، مدل به دست آمده پیچیده‌تر خواهد شد.



مزایای انتخاب مدل ساده‌تر

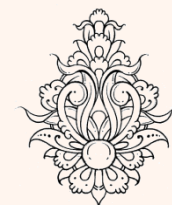
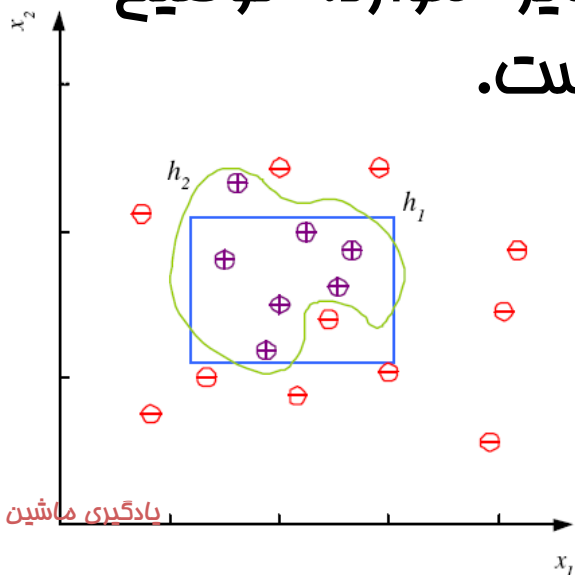
Variance v.s. Bias

- استفاده از آن ساده‌تر است؛ پیچیدگی محاسباتی کم‌تری دارد. (نمونه‌های جدید به راحتی آموزش می‌بینند).
- فرآیند آموزش آن، ساده‌تر است.
- در صورت کم بودن داده‌های آموزشی، انتظار داریم با تخییر داده‌های آموزشی، مدل ساده **تخییرات** کم‌تری داشته باشد.
- از سوی دیگر اگر مدل خیلی ساده باشد، با توجه به انعطاف کم آن، دارای **سوگیری (bias)** بیشتری خواهد بود.
- برای انتخاب مدل مناسب، باید هر دو این عامل‌ها را کمینه کنیم.
- استخراج دانش از مدل ساده، به راحتی صورت می‌پذیرد.
- به ویژه در مواردی که با نویز مواجه هستیم، مدل‌های ساده‌تر که از یک نمونه تاثیر می‌پذیرند (واریانس کم‌تری دارند)، در این حالت هرچند دارای خطای بیشتری روی داده‌های آموزشی خواهند بود، ولی «تعمیم‌پذیری» بهتری خواهند داشت.





تیغ Occam اصلی منسوب به William of Ockham منطق‌دان و فیلسوف انگلیسی است. در قرن ۱۴ میلادی ویلیام اوکام اصلی را مطرح کرد که به نام اصل «تیغ Occam» شناخته شد. طبق این اصل، هر گاه درباره علت بروز پدیده‌ای دو توضیح مختلف ارائه شود، در آن توضیحی که **پیچیده‌تر** باشد احتمال بروز اشتباه بیشتر است و بنابراین، در شرایط مساوی بودن سایر موارد، توضیح **ساده‌تر**، احتمال صحیح بودنش بیشتر است.



دسته‌بندی چندکلاسی (k)

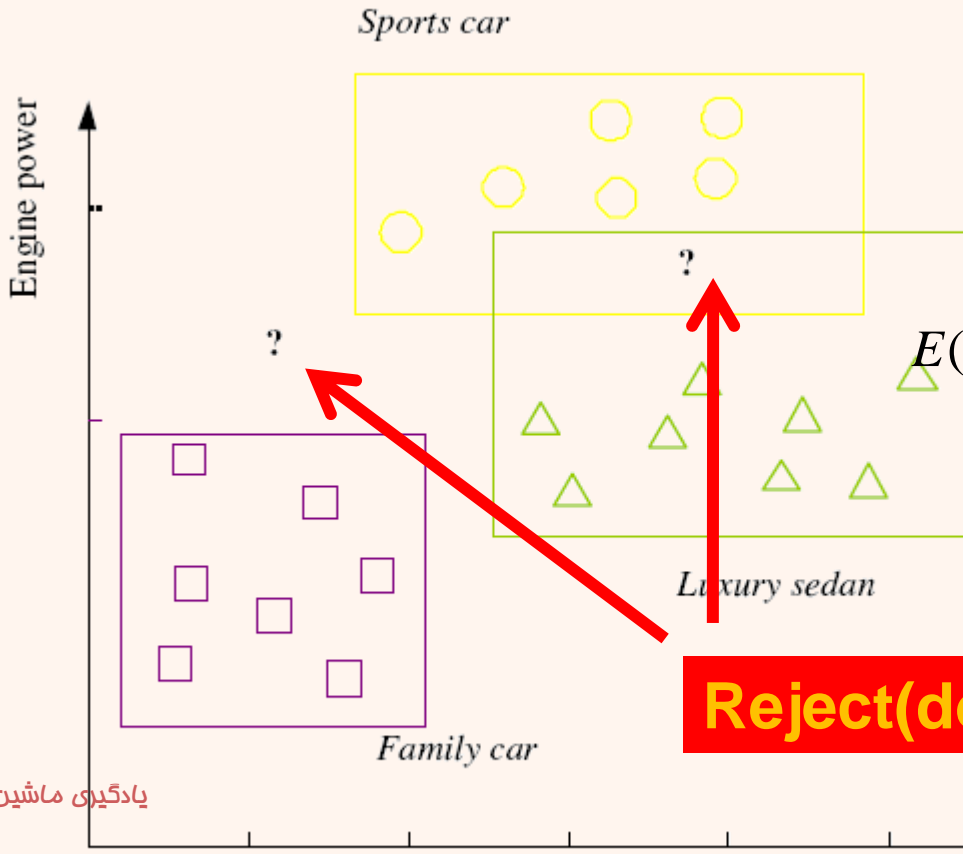
می‌توان مسئله را به صورت K دسته‌بندی دو کلاسه در نظر گرفت.

k, r بعدی است.

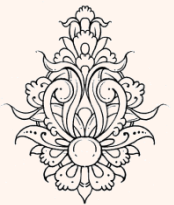
$$\mathcal{X} = \{\mathbf{x}^t, r^t\}_{t=1}^N \quad r_i^t = \begin{cases} 1 & \text{if } \mathbf{x}^t \in C_i \\ 0 & \text{if } \mathbf{x}^t \in C_j, j \neq i \end{cases}$$

Train hypotheses $h_i(\mathbf{x}), i=1, \dots, K:$

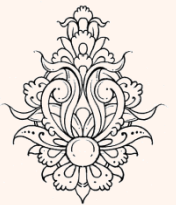
$$h_i(\mathbf{x}^t) = \begin{cases} 1 & \text{if } \mathbf{x}^t \in C_i \\ 0 & \text{if } \mathbf{x}^t \in C_j, j \neq i \end{cases}$$



$$E(\{h_i\}_{i=1}^K | \mathcal{X}) = \sum_{t=1}^N \sum_{i=1}^K 1(h_i(\mathbf{x}^t) \neq r_i^t)$$



- در این حالت به هر داده می‌تواند به صورت همزمان به چند دسته متعلق باشد.
- مثال:
 - تشخیص تصویر: یک تصویر ممکن است شامل چندین شیء باشد (مانند همزمان گربه و سگ).
 - دسته‌بندی متون: یک مقاله ممکن است به چندین موضوع مرتبط باشد (مثل فناوری و سلامت).



مقدمه‌ای بر رگرسیون (پس‌نمایی)

- در رگرسیون، برخلاف دسته‌بندی با یک تابع پیوسته مواجه هستیم:

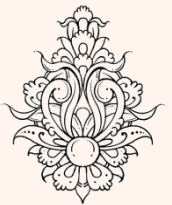
$$\mathcal{X} = \{x^t, r^t\}_{t=1}^N \quad r^t \in \mathbb{R}$$

- برخلاف **درون‌یابی**، در رگرسیون وجود نویز در خروجی را هم باید در نظر گرفت.

- وجود نویز را می‌توان به مربوط به متغیرهای مخفی (غیرقابل مشاهده) دانست.

$$r^t = f^*(x^t, z^t)$$

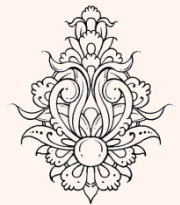
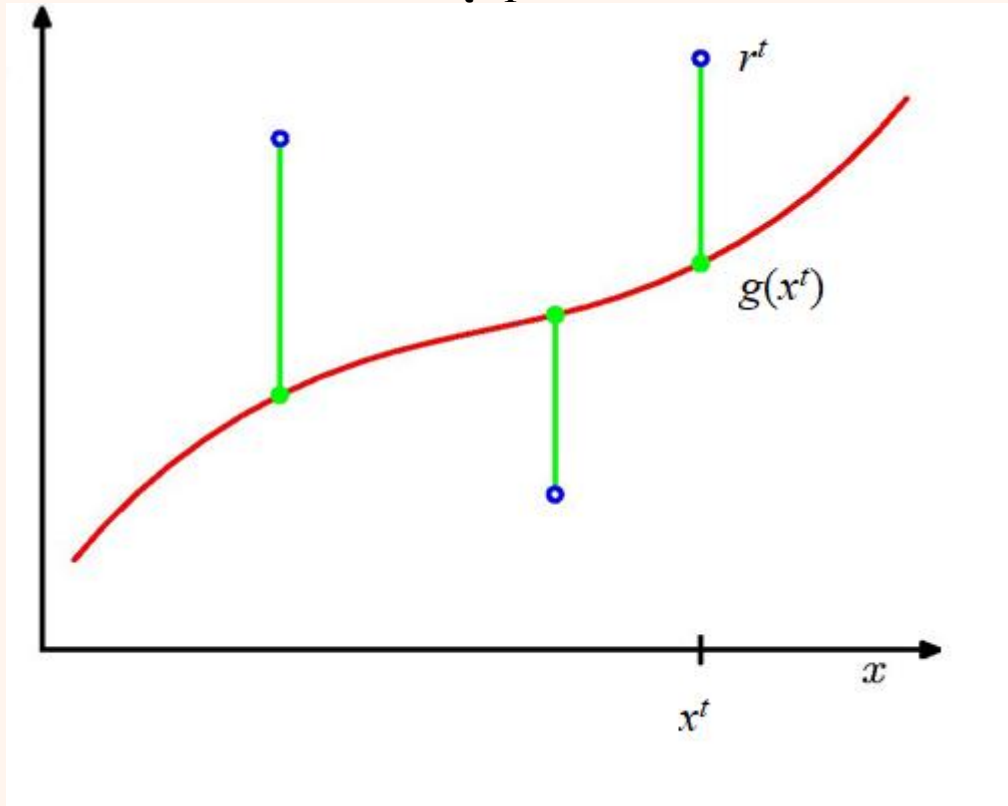
- هدف، تخمین خروجی با استفاده از مدل پیشنهادی $g(x)$ است.



مقدمه‌ای بر رگرسیون (ادامه...)

- فضای داده‌های آموزشی را می‌توان به صورت زیر تعریف کرد:

$$E(g | \mathcal{X}) = \frac{1}{N} \sum_{t=1}^N [r^t - g(x^t)]^2$$



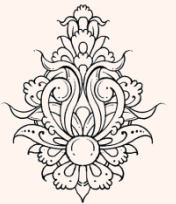
رگرسیون خطی تک‌متغیره

- با فرض این که $g(x)$ خطی است:

$$g(\mathbf{x}) = w_1 x_1 + w_2 x_2 + \dots + w_0 = \sum_{j=1}^d w_j x_j + w_0$$

- فرض می‌کنیم که مثال مورد نظر دوبعدی باشد، در نتیجه تابع خطی به صورت زیر خواهد شد:

$$E(w_1, w_0 | \mathcal{X}) = \frac{1}{N} \sum_{t=1}^N [r^t - (w_1 x^t + w_0)]^2$$



رگرسیون خطی تک متغیره (ادامه...)

$$E(w_1, w_0 | \mathcal{X}) = \frac{1}{N} \sum_{t=1}^N [r^t - (w_1 x^t + w_0)]^2$$

- برای پیدا کردن پارامترهای بهینه باید مشتق گرفته و آن را مساوی صفر قرار دهیم:

$$\frac{\partial E}{\partial w_0} = \frac{2}{N} \sum_{t=1}^N [r^t - (w_1 x^t + w_0)](-1)$$

$$\frac{\partial E}{\partial w_1} = \frac{2}{N} \sum_{t=1}^N [r^t - (w_1 x^t + w_0)](-x^t)$$

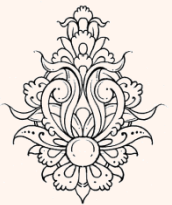
- دو معادله و دو مجهول

$$w_0 = \bar{r} - w_1 \bar{x}$$

$$w_1 = \frac{\sum_t x^t r^t - \bar{x} \bar{r} N}{\sum_t (x^t)^2 - N(\bar{x})^2}$$

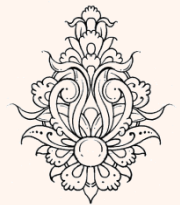
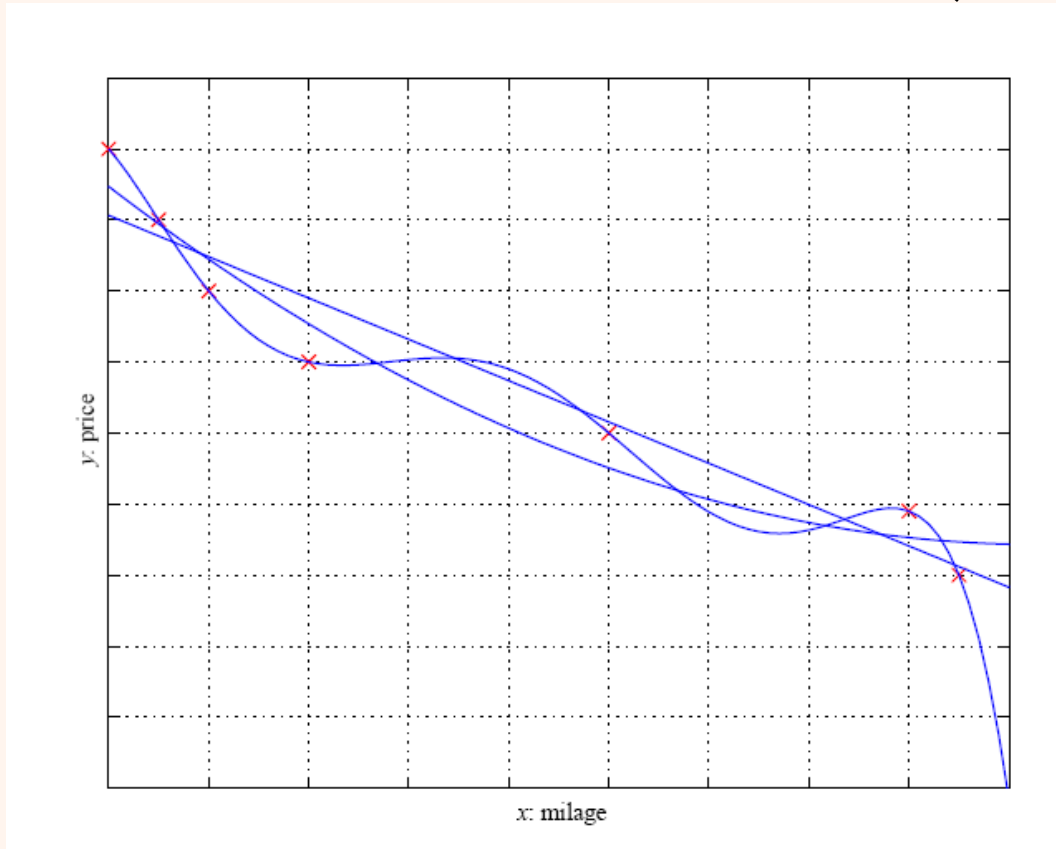
$$\bar{x} = \frac{\sum_t x^t}{N}$$

$$\bar{r} = \frac{\sum_t r^t}{N}$$



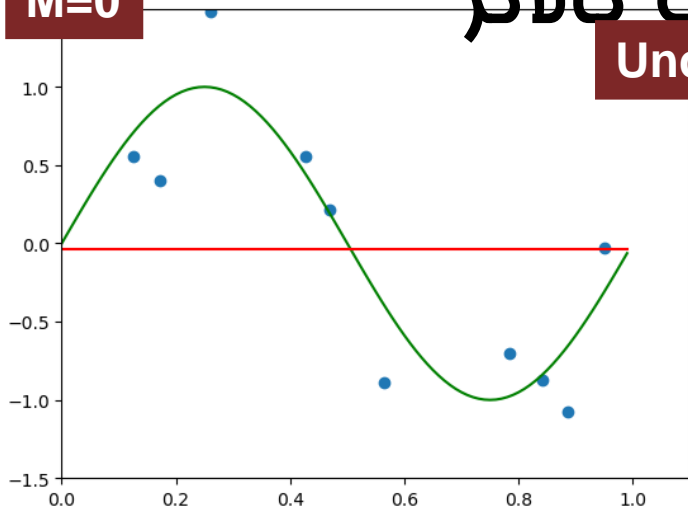
رگرسیون

- در صورتی که مدل خطی برای داده‌ها ساده باشد، می‌توان از تابع درجه‌ی دو و یا درجات بالاتر استفاده کرد:



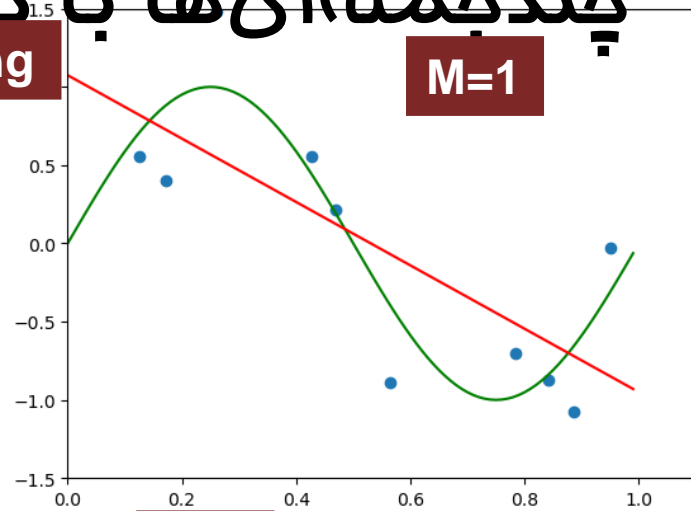
چند جمله‌ای‌ها با درجات بالاتر

$M=0$

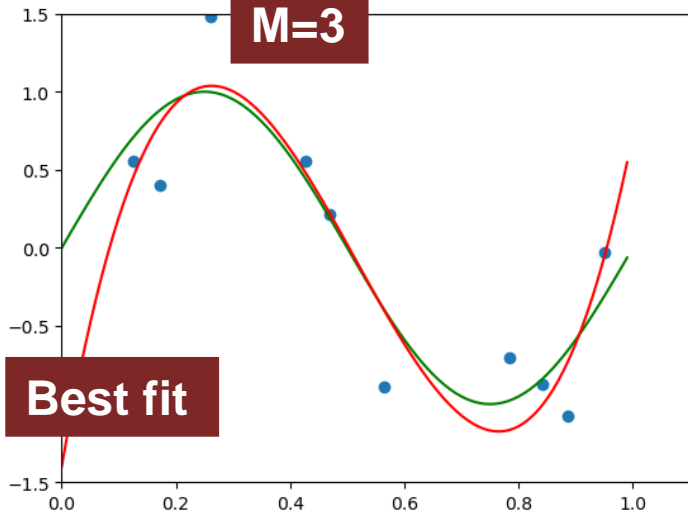


Underfitting

$M=1$

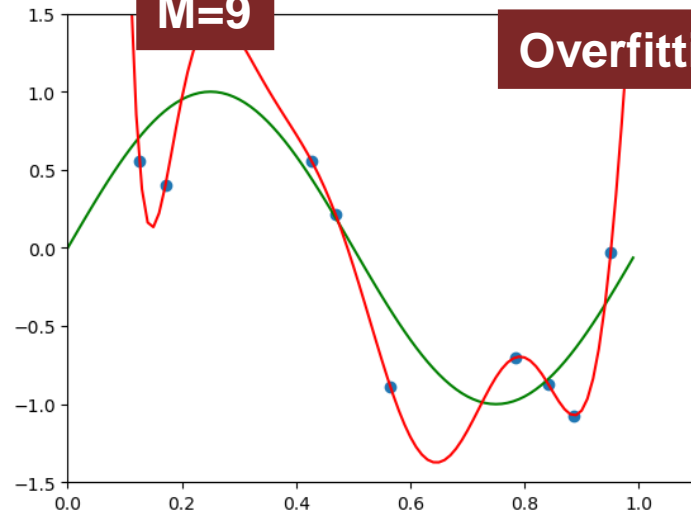


$M=3$

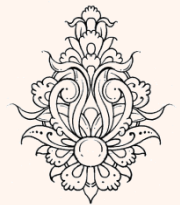
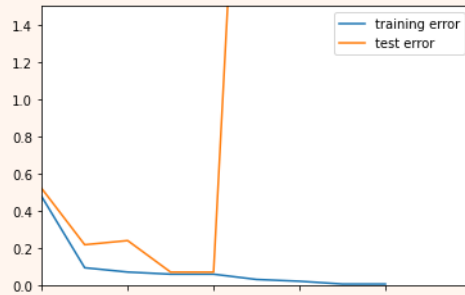


Best fit

$M=9$

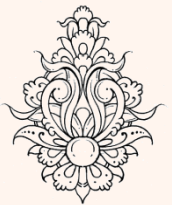


Overfitting

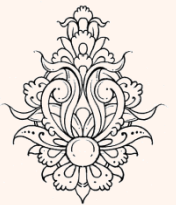


انتخاب مدل و تعیین پذیري

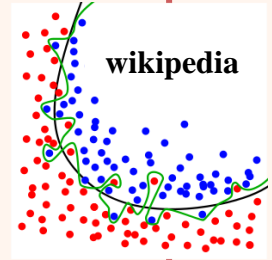
- يادگيري، يک مسالهي **ill-posed** است؛ داده‌هاي آموزشي به تنهائي براي يافتن يک راه حل يکتا، کافي نيستند.
- در يادگيري **استقرائي**، افزون بر داده‌ها بايد مفروضاتي را نيز در نظر گرفت. بدون پيش‌فرض قادر به حل مساله نخواهيم بود.



- در نتیجه، علاوه بر داده‌ها باید مفروضات دیگری در نظر گرفت که پاسخ یکتایی به دست آید. این پیش‌فرض‌ها «**inductive bias**» نامیده می‌شود.
 - **کلاس فرضیه**، پیش‌فرض مذکور تلقی می‌شود.
- هر چه **ظرفیت** فرضیه افزایش یابد، **پیچیدگی** آن نیز بیشتر خواهد شد.
 - دو مستطیل ناهمپوشان در مقابل یک مستطیل و انتخاب مستطیل به بیشترین ماشیه
 - یا انتخاب خط و یا چندجمله‌ای مرتبه بالا برای رگرسیون
- در «**انتخاب مدل**» باید تصمیم‌پذیری را در نظر داشت.



انتخاب مدل و تعمیم پذیری



برای افزایش «قابلیت تعمیم» باید پیچیدگی مدل متناسب با پیچیدگی داده‌ها انتخاب شود.

در صورتی که پیچیدگی مدل کمتر از داده باشد، اصطلاحاً گفته می‌شود **underfitting** رخ داده است.

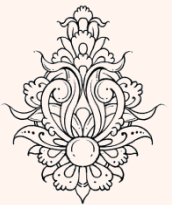
– مانند زمانی که یک منحنی درجه‌ی سه با یک خط تقریب زده شود.

– در چنین حالتی خطای آموزشی و خطای مرحله‌ی validation (validation error) هر دو بالا خواهند بود.

• در صورتی که مدل پیچیده‌تر انتخاب شود، **overfitting** رخ می‌دهد.

– در چنین حالتی خطای آموزشی پایین و خطای مرحله‌ی validation (validation error) بالا خواهد بود.

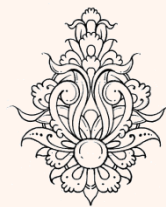
– با افزایش داده‌های آموزشی می‌توان اثر آن را **تا حدی** کاهش داد.



Tradeoff سه‌گانه

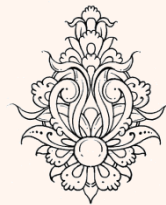
- بین عوامل زیر tradeoff وجود دارد:
 - پیچیدگی کلاس فرضیه \mathcal{H} ، $c(\mathcal{H})$
 - اندازه‌ی مجموعه‌ی آموزشی، N
 - فضای تصمیم، E

$N \uparrow, E \downarrow$
 $c(\mathcal{H}) \uparrow$, first $E \downarrow$ and then $E \uparrow$



- برای بررسی تصمیم‌پذیری، بخشی از داده‌ها را در آموزش مورد استفاده قرار نمی‌دهیم (validation set)، و تنها برای بررسی تصمیم‌پذیری از آن‌ها استفاده می‌شود.
- در نتیجه، فرضیه‌ای که با داده‌های validation بهترین پاسخ را دارند، به عنوان فرضیه‌ی مناسب انتخاب می‌شود.
- بعد از آموزش، برای مقایسه روش مورد استفاده، داده‌های آزمایش که باید متفاوت از داده‌های آموزشی و داده‌های validation هستند، مورد استفاده قرار گیرد.

Test set (publication set)



ابعاد متفاوت الگوریتم‌های یادگیری ماشین

- مدل $g(\mathbf{x} | \theta)$
- تابع هزینه (cost or loss function)

$$E(\theta | \mathcal{X}) = \sum_t L(r^t, g(\mathbf{x}^t | \theta))$$

- فرآیند بهینه‌سازی

$$\theta^* = \arg \min_{\theta} E(\theta | \mathcal{X})$$

- در صورتی که مدل پیچیده‌تر شود، به روش‌های پیچیده‌تری برای یافتن پارامترهای بهینه احتیاج خواهیم داشت.
- برای انجام مناسب آموزش به مدلی با ظرفیت مناسب، تعداد نمونه‌های آموزشی مناسب و یک فرآیند بهینه‌سازی خوب احتیاج داریم.

